

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

دلیل دوم بر بطلان تعلیق: دلیل عقلی

عرض کردیم که دلیل دوم بر بطلان تعلیق؛ يك دليل عقلي است. در تبیین آن گفته‌اند عقل، تعلیق را محال می‌داند. قبلاً هم عرض کردیم که این مقدار که ما در کلمات قدما و فقها دنبال کردیم، این استدلال به دلیل عقلی، در کلمات دیگران به چشم نمی‌خورد، بلکه بوسیله متأخرین، در فقه وارد شده است که گفته‌اند استحاله عقلی دارد.

استحاله عقلی تعلیق در بیان محقق نائینی(ره)

در بیان استحاله عقلی، کلامی را محقق نائینی(ره) دارد که محقق خوئی(قده) هم از ایشان تبعیت کرده است. محقق نائینی(ره) فرموده است که در اینکه تعلیق نسبت به خود إنشاء محال است تردیدی وجود ندارد، إنشاء عقلاً قابلیت تعلیق ندارد، برای اینکه إنشاء عبارت از ایجاد است، ایجاد، یا در عالم خارج محقق می‌شود یا نمی‌شود. ما در عالم خارج، يك ایجاد معلق نداریم. يك مطلب محقق نائینی(ره)، قیاس انشائیات در امور اعتباری، به امور تکوینی است، که می‌فرماید همانطور که در امور تکوینی، يك وجود تکوینی معلق نداریم، در امور اعتباری نیز همینطور است. مثال می‌زنند که در «وقوع الضرب علي زيد» بگوئیم این «وقوع ضرب علي زيد» معلق است بر اینکه زيد، دشمن ما باشد. تعلیق معنا ندارد. این وقوع، یا محقق می‌شود و یا نمی‌شود. معقول نیست که بگوئیم وقوعش معلق باشد «علي كونه عدوا». همانطور که در تکوین، تعلیق وجود ندارد، در اعتباریات و انشائیات هم همینطور است. اگر کسی بگوید من انشاء بیع را معلق می‌کنم بر آمدن زيد، بر هر قیدی می‌خواهد باشد. تعلیق إنشاء، معنا ندارد، چون انشاء، یا موجود می‌شود و یا نمی‌شود، إما أن يحصل و إما أن لا يحصل. نکته دیگر می‌فرماید أصلاً إنشاء معلق، «مرجعاً إلی التناقض»، به تناقض بر می‌گردد. زیرا در إنشاء معلق، إنشاء الان بالفعل موجود است، اما هنوز معلق علیه نیامده است. پس هم موجود است و هم موجود نیست.

اگر معلق است، مادامی که معلق علیه نیامده این موجود نیست. اگر بگوئید الان موجود شده، این سر از تناقض در می‌آورد. معنای إنشاء معلق، تناقض است. بعد محقق نائینی(ره) گویا می‌خواهد بفرماید أصلاً این مطلب واضح است که فقها که بحث می‌کنند «آیا تعلیق در إنشاء جایز است یا خیر؟»، أصلاً مراد ایشان تعلیق در خود انشاء نیست. چون تعلیق در انشاء، مسلماً استحاله عقلی دارد و این واضح است. لذا می‌فرماید أصلاً باید بگوئیم محل نزاع در کلمات بزرگان، در «تعلیق در منشأ» است، که آیا می‌شود منشأ معلق باشد یا خیر؟ یعنی من الان إنشاء البیع می‌کنم، إنشاء الان موجود می‌شود، اما منشأ که ملکیت این مبیع برای مشتری است، معلق بر يك قیدی باشد.

محقق نائینی(ره) می‌فرماید تعلیق در منشأ، يك امري است که صحّت آن واضح است. نه تنها صحتش واضح است، بلکه فرموده «وقوعه في احكام الشرعية فوق حد الإحصاء»، در احكام شرعيه فراوان داریم. آنگاه این شاهد را می‌آورند و می‌فرمایند غالب احكام شرعيه -إلا ما شدّ و ندر- قضایای حقیقیه است. در فوائد الاصول این استننا را هم ندارند. آن مقدار که من در ذهنم هست، آنجا می‌فرمایند تمام احكام شرعيه، يك قضایای حقیقیه است. اما اینجا می‌فرمایند احكام شرعيه، قضایای حقیقیه است، إلا ما شدّ و ندر.

قضایای حقیقیه یعنی چه؟ یعنی موضوع در آن مفروض الوجود در نظر گرفته شده است. الان در آن موضوع، موجود خارجی نیست، حکم معلق است بر اینکه موضوع در عالم خارج موجود شود. لذا در تمام احكام شرعي، این تعلیق وجود دارد. یعنی تعلیق حکم بر اینکه این موضوع در عالم خارج موجود شود. پس خلاصه فرمایش محقق نائینی(ره) این شد که؛ أولاً بحسب ظاهر امور اعتباری را به امور تکوینی قیاس کرد. ثانیاً فرمود نزاع در تعلیق در انشا نیست، بلکه در تعلیق در منشأ است. ثالثاً فرمود که تعلیق در منشأ، نه تنها صحیح است و امکان دارد، بلکه کثیری از احكام شرعی، این تعلیق در منشأ را دارد.

محقق نائینی(ره) وقتی مسأله استحاله عقلي تعلیق در انشاء را بیان می‌کند، می‌فرماید فرقی نمی‌کند که تعلیق انشا محال باشد یا تعلیق اخبار هم محال باشد. من بخواهم اصل اخبار را معلق کنم بر آمدن زید، این معنا ندارد، چون من که اخبار می‌کنم، یا اخبار من محقق می‌شود یا نمی‌شود. بگویم من اخبار می‌کنم به اینکه حسن آمد اگر فلان حادثه اتفاق بیفتد. مخبر به قابلیت تعلیق را دارد، اما خود اخبار قابلیت تعلیق را ندارد. محقق خوئی(قده) هم این کلام را پذیرفته‌اند و فرموده‌اند تعلیق در انشاء، استحاله عقلي دارد، و تعلیق در منشأ صحیح است.

نقد اول امام(رض) بر محقق نائینی(ره)

امام(رض) در کتاب البیع، ج 1، ص 348، پنج اشکال بر محقق نائینی(ره) دارد. اشکال اول این است که أولاً قیاس شما باطل است. شما چرا امور اعتباری را به امور تکوینی قیاس می‌کنید؟! چه ملازمه‌ای دارد که اگر تعلیق در امور تکوینی محال و ممتنع شد، بگوییم تعلیق در امور اعتباری هم ممتنع است؟ ایشان می‌فرماید به نظر ما تعلیق در امور اعتباری اشکالی ندارد. مثلاً شارع یا مولا يك امري صادر می‌کند و می‌گوید «إن جئتک زید فاکرمه»؛ در این جمله، طبق نظر مشهور، «مجيء» قید برای «وجوب اکرام» است، یعنی قید برای هیأت است.

یعنی این وجوب و این بعث که از آن به «بعث اعتباری» تعبیر می‌کنیم، این «بعث اعتباری» معلق بر مجيء زید است، قبل از مجيء زید، أصلاً بعثی وجود ندارد. یعنی الان که زید نیامده، هنوز بعثی وجود ندارد، قبل از مجيء زید، بعثی وجود ندارد، وقتی زید آمد، آن زمان بعث فعلیت پیدا می‌کند. ایشان می‌فرماید چه اشکالی دارد بگوییم بعث اعتباری معلق است؟ لذا می‌فرماید این قیاس، قیاس باطل است. بعد در آخر می‌فرمایند محقق نائینی(ره) بین «إنشاء» و «آلة الانشاء» خلط کرده است. آنچه که الان یا موجود می‌شود یا نمی‌شود؛ «آلت انشاء» است، یعنی آنچه که موجد إنشاء است، موجد انشا، لفظ است، لفظ «بعث» یا «اشتریت»، یا هست یا نیست. این قابلیت تعلیق را ندارد. اما می‌فرماید لفظ که انشا نیست. لفظ آلت برای انشاء است. بوسیله این لفظ، وجوب انشاء می‌شود. پس خود انشاء، غیر لفظ است.

انشاء يك امر اعتباری است، این امر اعتباری می‌تواند معلق باشد و می‌تواند مطلق باشد. طبق بیان امام(رض) دیگر تفکیک بین انشا و منشأ نداریم، و لو اینکه بعداً خود ایشان عکس کلام محقق نائینی(ره) می‌گویند تعلیق در منشأ محال است و تعلیق در انشاء اشکالی ندارد. پس امام(رض) فرمودند شما چرا قیاس کردید؟ اگر تعلیق در تکوین ممتنع بود، ملازمه ندارد که در انشا و اعتباریات هم تعلیق ممتنع باشد و می‌فرماید انشاء یعنی همان «بعث اعتباری»، همان «وجوب». الان وقتی معلق علیه حاصل شد، این هم محقق می‌شود.

نقد استاد بر کلام امام(ره)

اینجا ما يك ملاحظه‌اي بر فرمایش امام(رض) داریم. ملاحظه ما این است که وقتی کلام محقق نائینی(ره) را ملاحظه کنیم، ایشان نیامده بین امور اعتباری و امور تکوینی از راه قیاس وارد شود. محقق نائینی(ره) قیاس نکرده. بلکه می‌خواهد بگوید همان علتی که برای امتناع تعلیق در تکوین هست، همان علت در تعلیق در انشاء هم وجود دارد. ما در عبارت محقق نائینی(ره) دقت کردیم بحث ایشان این است. ایشان فرموده چون در عالم تکوین اینطور است، پس در عالم تشریع هم باید اینطور باشد، بلکه می‌گوید چون در تکوین علتی که برای استحاله تعلیق هست، همان علت مربوط به انشا موجود است. در تکوین می‌گوییم تعلیق معقول نیست، برای اینکه شیء یا موجود است و یا موجود نیست، یا حاصل است و یا حاصل نیست. همین را در انشا هم می‌گوییم؛ یا انشاء شد یا نشد. اینکه بگوییم انشاء معلق است، این معنا ندارد.

نقد استاد بر محقق نائینی(ره)

بله، خود ما بر محقق نائینی(ره) این اشکال را داریم که می‌گوییم چه کسی گفته که تعلیق در تکوین، ممتنع است؟ شما اگر بگویید این گُل اگر بخواهد موجود شود، الان که نیست، اگر بخواهد موجود شود، معلق بر نور آفتاب است، اگر نور نباشد، این گُل هم موجود نمی‌شود. این چه استحاله‌ای دارد؟! يك وقت می‌گوییم تحققش در سه روز دیگر، معلق بر این شرط نیست، يك وقت معلق بر این شرط هست، این که تعلیق در تکوین محال است یعنی چه؟ این اشکال اولی که بر محقق نائینی(ره) دارند و این نکاتی که ما در مورد این اشکال بیان کردیم.

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله اجمعین.